



کارگران جهان متحد شوید !

فساد و تباهی در جمهوری اسلامی ریشه دار است ان را فقط در فیش حقوق جستجو نکنید!!!؟

جمهوری اسلامی در کلیت خود اعم از جناح راست میانه رو و جناح موسوم به اصلاح طلب همگی تبلوری از تقدسی فاسدند .

این روزها در تمامی گروه های اجتماعی فیش های حقوقی مسئولین نظام از مدیران میانی تا مدیران ارشد نظام افشا شده صرف نظر از اینکه ابتدای امر اولین فیش از طرف کدام جناح و به چه منظور افشا گردید اما دامنه این افشا گریها دامن تمامی جناح های نظام را گرفت و آش انقدر شور شد که خود اشپز به میدان آمده و به چنین دریافتی هایی اعتراض نمود .

ادامه در صفحه ۴

:: ستون طنز ::

تکه بزرگش زیر لحاف است اما!
حقا تا اینجا هم که از زیرلحاف بیرون زده چیز کمی نیست

در صفحه ۱۲

:: گزارش ::

این روزها رو شدن فیشهای حقوقی مدیران و سر کرده های جمهوری اسلامی داستانی شده .!؟

در صفحه ۱۱

:: یادها ::

یاد رفیق کبیر حمید اشرف در اراده پولادین
فدایی کمونیست همیشه زنده است !



غلامرضا لایق مهربانی ،
غلامعلی خراط پور ، عسگر حسینی ابرده ،
علی اکبر وزیری ، محمد حسین حق نواز ،
طاهره خرم ، یوسف قانع خشکه بیجاری و
فاطمه حسینی میگذرد .

روز هشتم تیر ماه 1395 ، 40 سال از
شهادت چهره شاخص جنبش نوین کمونیستی
ایران ، فرزند انقلاب و پر از احساس
کارگران و زحمتکشان ، مبارزه راه آزادی
و سوسیالیسم ، رفیق کبیر حمید اشرف یکی
از بنیانگذاران و رهبران کبیر سازمان و 9
رفیق فدایی دیگر : محمد رضا یثربی ،

ادامه در صفحه ۵

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

اخیرادرگیریهای مسلحانه ای میان نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی ایران در نوارمرزی ایران و عراق و برخی روستاهای داخل کردستان ایران رخ داده است.

آغاز این عملیات بیست و ششم خردادماه بود که به گزارش خبرگزاریها، یکی از تیم های پیشمرگه حزب دمکرات کردستان ایران در شهرستان اشنویه مابین روستاهای «سرگیز و قرهسقل با سپاه پاسداران درگیر شده بود .دراین رابطه سخنگوی شورای نظامی حزب دمکرات کردستان ایران در بیانیه ای که در وبسایت این حزب - «کردستان میدیا» - منتشر کرده، گفته است: «یکی از تیم های پیشمرگه حزب دمکرات کردستان ایران در شهرستان اشنویه مابین روستاهای سرگیز و قرهسقل که در میان مردم درحال انجام فعالیت های تشکیلاتی و سیاسی بودند، مورد هجوم نیروهای سپاه پاسداران رژیم قرار گرفته و درگیری شدیدی میان نیروهای پیشمرگه حزب دمکرات و نیروهای سپاه پاسداران رژیم روی داده است».

ادامه در صفحه ۲

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی

«یدی شیشوانی»

از طرفی بنا به گزارش خبرگزاری مهر، پاسدار محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه هم مدعی شده است که: نیروی های اطلاعاتی و عملیاتی قرارگاه حمزه به «دو تیم تروریستی وابسته به گروهک های ضد انقلاب که برای خرابکاری و انجام اقدامات تروریستی قصد عبور از منطقه مرزی اشنویه به داخل کشور را داشتند» حمله کردند و آنها را کشتند. علاوه بر آن، خبردرگیریهایی پراکنده دیگری هم در اطراف مهاباد و سردشت از سوی طرفین منتشر شده است که هنوز از صحت و سقم و جزئیات آنها اطلاعات دقیقی منتشر نشده است. متعاقب این درگیریها، از ۲۶ خردادماه سال جاری، رژیم با حملات توپخانه‌ای به روستای «قرسقل» در نزدیکی شهرستان «اشنویه»، و باویران کردن چندین منزل مسکونی و از بین بردن چندین دستگاه از ماشین‌آلات کشاورزی و در ۳۰ خردادماه نیز با توپباران بلندی‌های شهرستان «سردشت» (و در ۴ تیرماه با به توپ بستن بلندی‌های اطراف «لندی شیخان» و «بینگوین» ناحیه «منگور نشین» شهرستان «مهاباد»، و با بجا گذاشتن خسارات زیاد منطقه را بطور کامل میلیتاریزه کرد. علاوه بر این حملات که بلافاصله بعد از درگیری با پیشمرگان حزب ازسوی نیروهای سپاه و ارتش جمهوری اسلامی انجام شد. از روز صبح یکشنبه ۶ تیرماه ۱۳۹۵، مناطق «کیلشین» و «حاجی عمران»، و روستاهای «برکما» و

سپاه، ضمن نامناسب دانستن تهدیدات سردار سپاه، طی بیانیه ای اعلام کرد: «اقلیم کردستان با هدف اجرای قوانین بین‌المللی، حفظ و توسعه روابط و همکاری دوستانه مبتنی بر اصل حسن همجواری و روابط دوستانه و همکاری دائمی، همیشه در تلاش بوده و خواسته است که در راستای منافع اقوام ایرانی و دولت اقلیم و منطقه، عامل ایجاد ثبات و امنیت و صلح واقعی باشد و بنابراین هرگز نخواسته و نمی‌خواهیم که خاک اقلیم تبدیل به منبع تهدید علیه ایران شده و از خاک اقلیم کردستان برای حمله به ایران و یا هیچ‌یک از دولت‌های همسایه اقلیم کردستان، استفاده شود».

موضع‌گیری حزب دمکرات کردستان ایران

بدنبال تهدیدات سپاه پاسداران و اقدامات عملی و توپ باران روستاها و مناطقی از خاک اقلیم کردستان و موضع‌گیری اقلیم کردستان در این رابطه. حزب دمکرات کردستان ایران نیز طی نامه ای از موضع تهاجمی قبلی خود عقب نشینی نموده و اعلام کرد که: نیروهای پیشمرگه در هیچ کدام از این مناطق هیچ یک از نهادها و یا افراد حکومتی را مورد هجوم قرار نداده است، بلکه وظیفه‌ی آنان تنها برقراری ارتباط، انجام تبلیغات سیاسی و ارتباط با مردم بوده است، اما در شرایطی که مورد هجوم قرار گرفته‌اند، به دفاع از خود پرداخته‌اند»

پیش‌بینی‌ها اما این ادعای حزب مغایر موضع‌گیری و اعلام آغاز دور جدید مبارزه مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران توسط دبیر کل آن آقای مصطفی هجری در آغاز سال **ادامه در صفحه بعد ...**

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکرد تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

جدید و در مراسم نوروز ۹۵ در کوه قندیل نقطه صفر مرزی واقع در اقلیم کردستان بود.

مصطفی هجری در این مراسم :
از «تغییر رویکرد تاکتیکی !!» جدید حزب سخن گفت و اعلام کرد که: «پیام ما در عید نوروز، این است که صدا و توان خود را در کوهستانها و شهرهای کردستان برای ایجاد یک نیروی قدرتمند و سرنوشت ساز یکپارچه نماییم که زندگانی نوینی را به دور از زیردستی و محرومیت از حقوق بر ایمان رقم بزنند.!!»
وی در جواب به پرسش خبرنگار تلویزیون رسمی اقلیم کردستان که از قبل برای گزارش سخنان هجری در محل حاضر بود که پرسید: معنی این آغاز نوین و رویکرد تاکتیکی شما چیست؟! مصطفی هجری با صراحت اعلام کرد که:
«آغاز دور نوینی از مبارزه چیزی غیر از جنگ مسلحانه در کوهستانها و شهر و روستاهای روژ هلات نیست.» علاوه بر آن کاوه جوانمرد، عضو کمیته مرکزی و مسئول تشکیلات حزب دمکرات کردستان ایران، در مصاحبه با «العربیة نت» با تأیید مساله از سرگیری فعالیت های مسلحانه از سوی این حزب، گفت: « این اقدام حزب دمکرات کردستان ایران به صورت شفاف و مبرهن صورت گرفته است. حزب دمکرات طبق آخرین تصمیم گیری از سوی شورای رهبری این حزب، فعالیتها و تحرکات خود را در قالب برنامه‌های از پیش تعیین شده و بر اساس شرایط موجود و آنالیز و تحلیل جغرافیایی و همچنین دموگرافی مناطق عملیاتی به صورت اجرایی در خواهد آورد.

کاوه جوانمرد، در پاسخ به سؤال دیگر «العربیة نت» مبنی بر اینکه مبارزه مسلحانه به چه منظور و برای چه اهدافی از سر گرفته خواهد شد؟ و آیا حزب دمکرات با دیگر احزاب مسلح کردی، مثلا حزب پژاک، در باره از سرگیری مبارزه مسلحانه هماهنگی می کند؟ گفت: مشی مسلحانه از آغاز فعالیت‌های این سازمان نیز، بخشی لاینفک از سیستم و مدل مبارزاتی حزب دمکرات بوده و نسبت به این رویکرد حزب دمکرات در چارچوب نوعی همبستگی برای پیشبرد اهداف و منافع ملت کرد با تمامی جریان‌های رسمی کردی دارای روابط مناسب و لازم است، اما این اقدامات و تصمیمات مشخصا از سوی سیاست‌گزاران این حزب طراحی و اجرا خواهد شد.»
بدین ترتیب ملاحظه میشود که اقدامات حزب دمکرات اقداماتی فی‌البداهه نبوده بلکه از پیش در شورای رهبری و حزب برنامه ریزی و تصمیم گیری و توسط دبیر کل آن در مراسم عید نوروز با رسانه های عمومی در میان گذاشته شده است.

اکنون با توجه به اوضاع منطقه، سؤال این است که آیا این تصمیم حزب دمکرات کردستان ایران همانطور که خودشان اعلام کرده اند یک «رویکرد تاکتیکی» است و یا یک خطای استراتژیک؟
«رویکرد تاکتیکی»
حزب دمکرات کردستان ایران همچون سایر احزاب و سازمانهای کرد ایرانی بعد از پایان یافتن جنگ ایران و عراق از کردستان ایران عقب‌نشینی کرده و بیش از

دوده است که در کردستان عراق و زیر چتر حمایتی دولت اقلیم، اسکان یافته اند و تاکنون با توجه به تغییر توازن قوا در منطقه بعد از سقوط صدام و قراردادهای فیما بین مسئولین اقلیم کردستان با رژیم جمهوری اسلامی و احزاب کرد ایرانی مستقر در خاک اقلیم، جز کارهای سیاسی و تبلیغی، حق اقدامات مسلحانه در خاک کردستان ایران از این احزاب سلب شده است و این قرارداد بنا به اظهارات دولت اقلیم هنوز سر جای خود اش برقرار است.
بنا بر این در حله اول روشن است که حزب دمکرات کردستان ایران نمیتوانست بدون اجازه و چراغ سبز حکومت اقلیم تصمیم به اقدامات مسلحانه در داخل ایران بگیرد. همانگونه که دیدیم در این رابطه هم تهدیدات و هم اقدامات عملی سپاه بسیار شدید بود. حکومت اقلیم کردستان هم بلافاصله عکس العمل نشان داد و اعلام نمود که کسی حق اقدامات مسلحانه از خاک کردستان عراق را ندارد و..

بنا بر این «رویکرد تاکتیکی» (حزب در خوشبینانه ترین حالت و با فرض ناتوانی رهبران حزب از تحلیل و آنالیز اوضاع سیاسی ایران و منطقه، میتواند ناشی از این ساده اندیشی باشد که حزب دمکرات کردستان ایران با توجه به بیست و اندی سال اردوگاه نشینی و از سرگذراندن انشقاقات مختلف و انزوای سیاسی و بی عملی که به آن دچار شده است و بادر نظر گرفتن محدودیت های مالی که این اواخر بخاطر اوضاع بد اقتصادی و مشکلات مالی اقلیم کردستان با آن مواجه

فساد و تباهی در جمهوری اسلامی ریشه دار است ان را فقط در فیش حقوق جستجو نکنید!!!

جمهوری اسلامی در کلیت خود اعم از جناح راست میانه رو و جناح موسوم به اصلاح طلب همگی تبلوری از تقدسی فاسدند.

این روزها در تمامی گروه های اجتماعی فیش های حقوقی مسئولین نظام از مدیران میانی تا مدیران ارشد نظام افشا شده صرف نظر از اینکه ابتدای امر اولین فیش از طرف کدام جناح و به چه منظور افشا گردید اما دامنه این افشا گریها دامن تمامی جناح های نظام را گرفت و اش انقدر شور شد که خود اسپز به میدان آمده و به چنین دریافتی هایی اعتراض نمود.

و صرف نظر از تکذیبیه های مسئولین مردم بخوبی میدانند که این نظام در همه زمینه ها فاسد است و برای لا پوشانی این فسادها به همه تدویری متوسل میشوند و بهمین دلیل است که وقتی فیش دریافتی حسین شریعتمداری افشا و وی ان را تکذیب نمود در گروه های اجتماعی این نوشته پخش شد که شریعتمداری درست می گوید که این حقوق وی نیست و از سپاه حقوق میگیرد و در ادامه نوشتند که این فقط کارانه ای است که از کیهان دریافت میکند و حقوق اصلی وی رقمی نجومی تر است که از سپاه دریافت میکند.

این پست که بصورت گسترده نیز دیده شد خود نشاندهنده هوشیاری مردم و عدم اعتماد آنها به گفته سران است.

اما بجای دامن زدن در همه ابعاد و ادار کردن مسئولین به پاسخ روشن در همه زمینه ها و جستجوی راهی برای برون رفت از این منجلاب جمهوری اسلامی عده

ای از خود نظام وارد قضیه شدند و شروع به جوک سازی نمودند تا توده ها و سوالهای مطروحه را به انحراف سوق دهند و در این راستا گروههایی مانند راه توده و .. نیز با منتصب نمودن این فسادها فقط به جناحی خاص سعی در خاک پاشیدن به چشم توده ها نمودند!.

کاری که خود رژیم نیز از ابتدای افشا فیشها سعی بر ان داشت و میخواست فقط ان را به جناحی خاص نسبت دهد اما با گسترش و افشا ابعاد این فساد و رو شدن دست تمامی جناح ها در این چپاول و غارت سعی در ریشخند گرفتن و لوث نمودن قضیه نمودند زیرا بخوبی میدانند که تداوم این افشاگریها بخصوص در همه ابعاد ان و نه فقط در فیشها میتواند توده عصبانی و گرسنه را به خیابانها سرازیر نماید و یک شورش عمومی را منجر گردد. درست به همین دلیل است که خود خامنه ای (سردمدار فساد در حاکمیت) علی رغم اینکه خودش و بیت رهبری و بخصوص پسر وی مجتبی نیز مورد اتهام قرار دارند و حسابهای بانکی اقا زاده وی در بانکهای مختلف کشور های خارجی نیز افشا شده است به میدان آمده و اوای ای دزد ای دزد سر داده است . مردم می دانند که طلاهای خارج شده که در ترکیه توسط دولت اردوغان مصادره شد از کجا به خارج رفته و درست به همین دلیل فردای سخنرانی شاهد ان بودیم که در همه گروه های اجتماعی این نوشته پاسخی بود در خور به وی که (آنها ای دزد ای دزد سر داده اند غافل از انکه یکدیگر را صدا میکنند این گله نه توسط گرگ بلکه دیر

زمانیست که توسط چوپان و سگ گله کشتار میشوند). مردم بخوبی می دانند که در نبود مطبوعات ازاد و نبود احزاب و نشریات مستقل آنها چه فجایعی بر این کشور روا داشته اند و می دانند که چرا هر خبرنگار مستقل سر از زندان و داغ درفش در می آورد.

انها میدانند که در شرایطی که منفعت اقتصادی و سیاسی و رسانه ای گره میخورند مطبوعاتی همچون کیهان و دیگر نشریات موجود در دکه موجود میباشد و درست بهمین دلیل فقط مصرف شیشه پاک کن پیدا میکند.

اما چیزی را که توجه نکرده اند اینست که در همین رسانه های اجتماعی میشود مسئولین را وادار کرد که به بخشهای دیگر فساد در جمهوری اسلامی اعتراف کنند . مردم باید بدانند که فساد گسترده تر از اینهاست و از همان روی کار آمدن جمهوری اسلامی با این رژیم جهل و جنایت عجین بوده است . زیادند مدیران ارشدی که با جعل مدارک و القابی همچون دکتر و مهندس و ... بر جایی نکیه زده که استحقاق حتی دربانی انجا را ندارند و این همه نابسامانی نتیجه مدیریت این نا بخردان است . که در ازای این بی خردی نه تنها حقوق ها و مزایای گزافی اخذ میکنند بلکه برای پایدار نگه داشتن این نظام قرون وسطایی به هر گونه دنائت و سرکوبی دست میزنند مردم باید بدانند که بجای استفاده کردن از این رسانه ها فقط برای جک و خنده میتوان در راستای احقاق حقوق از دست رفته از ان استفاده کرد . میتوان صدای هزاران کارگر و زحمتکش و کودکان کار و زنان دردمند کشور شد . میتوان صدای فریاد گلوی زندانیان دربند شد.

یاد رفیق کبیر حمید اشرف در اراده پولادین فدایی کمونیزست همیشه زنده است !

جنگاوران کمونیستی که حماسه مقاومت قهرمانانه آنان در برابر مزدوران سرمایه در همه جای کشورمان صدا داد و امروز پس از گذشت 40 سال هنوز هم نام حمید اشرف بعنوان جنگاوری پر احساس ، انقلابی سرسخت و کمونیستی سازمانده بر درفش مبارزه خونین طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران میدرخشد .

به همین دلیل است که اکنون بعد از گذشت 40 سال هنوز هم ضد انقلاب از اسم و تفکر حمید اشرف وحشت دارد و توسط مزدوران قلم بدستش سعی در بدنام و مخدوش کردن او را دارد غافل از آنکه توده های زحمتکش ایران نام حمید اشرف را در مقاومت بی نظیر و درگیریهای قهرمانانه وی بر علیه جلادان رژیم پهلوی و مزدوران سرمایه ، میشناسند . حمید اشرف با احساس کینه و نفرت عمیق از دشمن و عشق بی پایانش به آزادی کارگران و زحمتکشان در مقابله با موانع و مشکلات لا علاج فعالیت و مبارزه مخفی و در مقابله با سیل تهاجمات رژیم سمبل خواست و اراده و قاطعیتی بود که هیچ مانعی را توانای ایستادن در مقابل آن نبود . حمید در طول سالهای مبارزه در سنگر سازمان ، با آشنایی تمام از اصول و شیوه های مبارزه مخفی با آتش سلاح خویش چنان ترس و وحشتی در دل مزدوران و جلادان رژیم پهلوی افکنده بود که آنان در پس دیوارهای بشدت محافظت شده خویش نیز احساس امنیت و آسایش نمیکردند .

حمید اشرف بیش از 14 بار حلقه محاصره و کمین پلیس و ساواک رژیم را با

هوشیاری بی نظیر خویش و با نبرد قهرمانانه خویش در هم شکست . نبرد قهرمانانه وی در میان مردم بیشتر به معجزه شبیه بود و از او بعنوان چریک افسانه ای یاد می کنند . حمید نه تنها در کار نظامی و جنگ چریکی بلکه در سازماندهی و رهبری سیاسی تشکیلات از توانایی بسیاری برخوردار بود . حمید اشرف پس از



ضربه های سنگین پلیسی سالهای 1350-1349 از رفقای بود که با اراده پولادین خویش تشکیلات را بازسازی کرد و با کار و فعالیت شبانه روزی خویش ادامه کاری فعالیت سازمان را تضمین نمود . رفیق کبیر حمید اشرف برای اصل سازماندهی ، انتقاد و انتقاد از خود به شیوه مارکسیستی - لنینیستی و نظم و انضباط تشکیلاتی اهمیت زیادی قائل بود . در حالیکه در مقابل رفقای تشکیلات خود بزرگ بین نبود و از اشتباهات و نواقص انتقاد میکرد در همان حال در برابر انحرافات سرسختانه موضع گیری میکرد . او با بررسی بی وقفه نقاط ضعف و قوت سازمان و در نظر گرفتن

تجارب و استفاده از آنها در مبارزه ، سازماندهی و رهبری تشکیلات به شیوه بی مبتکرانه اصول تئوری و پراتیک را باهم تلفیق میکرد . حمید با در نظر گرفتن این تجارب بود که بارها سازمان را از ضربات پلیس حفظ نمود و با سازماندهی جدید آرزوهای رژیم را ناکام میگذاشت و تبلیغات سردمداران رژیم درباره اتمام کار سازمان و نابودی آنرا بی اثر میکرد .

وظیفه حمید اشرف بیش از هر چیز در حفاظت و ادامه کاری فعالیت سازمان بود که علیرغم ضربات سنگین پلیس و دستگیری و شهادت رهبران آن ، میبایست بعنوان تنها سازمان سیاسی پرولتاریا به فعالیت خویش ادامه میداد تا اینکه بتواند از اهداف و آرمانهای طبقه کارگر دفاع نماید . در آنزمان بود که آندسته از اپورتونیستهایی که بدنبال اثبات حقانیت سالهای بی عملی و تسلیم طلبی خویش بودند ، هر زمان که تهاجمات دیوانه وار رژیم متوجه سازمان بود با تبلیغات ارتجاعی رژیم همصدا میشدند و حماسه نبردهای قهرمانانه رفقای ما را به تمسخر میگردانند و گاهی اوقات نیز علنا و بیشرمانه همصدا با رژیم ادعای مزدوران رژیم مبنی بر مرگ و نابودی سازمان را جار میزدند . اما هر بار تجربه بطور غیر قابل انکار ادعاهای مزدوران سرمایه و اپورتونیستهای بی عمل را بی ارزش مینمود و بیش از پیش ثابت مینمود که تاریخ مبارزه طبقاتی با خون و مقاومت حماسی نوشته خواهد شد .

مبارزه یا جنگ بی امان طبقات بر علیه یکدیگر ادامه خواهد یافت ، اهداف پرولتاریا نه در راههای مسالمت آمیز مبارزه طبقاتی ، بلکه در راههای سخت و دشوار و از میان آتش نبردهای سنگین تحقق خواهد یافت . رژیمهای ارتجاعی



فساد و تباهی در جمهوری اسلامی ریشه دار است ان را فقط در فیش حقوق جستجو نکنید!!!

این روزها بحث فیش حقوقی حسن روحانی و برادرش فریدون نیز در رسانه های اجتماعی مطرح بود ولی هیچکس نپرسید که این اقا از اول انقلاب تحت عنوان دکتر در مجلس شورای امنیت و دانشگاه مشغول کار بوده و از این طریق حقوق و مزایایی دریافت نموده و تنها مرجع دکترای وی خود وی بوده است که در کتاب خاطرات خود نوشته (در سند 65) که در سال 57 بهمن ماه در انگلستان بسر برده و مدرک دکترای خود را از دانشگاه Ise اخذ نموده است هیچگاه هیچکس نپرسید چطور ممکن است شما در مدت زمانی معادل تقریباً شش ماه توانسته اید هم کارشناسی ارشد و هم دکترای خود را اخذ نمایید . که نشریه خودنویس طی تحقیقی اعلام نمود که دانشگاه مذکور اعلام نموده هرگز دانشجویی به نام حسن روحانی و یا حسن فریدون نداشته است.

در سال نود سه نامه ای به مجلس توسط کوچک زاده ارائه گردید که در ان ضمن این سوال از روحانی سوال نموده بود که طبق کدام دلیل شرعی وی از اولین دوره مجلس با نام دکتر در ان حضور و از مزایای دکتر بهرمن بوده است.

بهر رو نه تنها حسن روحانی از جناح میانه رو بلکه در تمام جناح ها و در یک کلام در کلیت نظام انواع فسادها و دروغ و تزویر موجود است که مردم میتوانند با دست گذاشتن بر روی هر یک از انها و تکثیر ان در گروه های اجتماعی انها را وادار به پاسخگویی و حتی به افشای یکدیگر وادار کنند.

از این تجربه باید این را فراگرفت که در رسانه های اجتماعی که در داخل برد و استفاده بیشتری دارد و عمومی میباشد نیز میتوان برای دفاع از زندانیان و خواسته های برحق انها استفاده کرد و مسئولین را وادار به واکنش نمود . و از ان در جهت بسیاری موارد پیش رو که در آینده با ان مواجه خواهیم بود استفاده کرد.

”محسن رجب زاده 25/4/95“

دیگر زحمتکشان از سازمان ما و تبدیل آن به بزرگترین سازمان مارکسیست - لنینیست خاورمیانه و طرفداری میلیونها کارگر و زحمتکش از آن نشاندهنده این حقیقت بود که علیرغم ضربات پی در پی و از دست دادن بهترین و شایسته ترین رهبران جنبش ، اما آرمانهای آن همچنان پا برجاست . مبارزه آنان از جانب هزاران تن دیگر از توده های ستمکش که شیفته قهرمانی و مقاومت و جانفشانی آنانند ادامه خواهد یافت . پیشگامان طبقه کارگر سرچشمه عشق و محبت کمونیسم در دل توده های زحمتکش و تحت ستم هستند .

امروز در حالی یاد رفیق کبیر حمید اشرف و 9 رفیق فدایی هم سنگر وی را گرامی میداریم که جنبش فدایی و سازمان ما صدها فراز و نشیب را از سر گذارنده و با تجربه اندوزی از شکستها و پیروزیها و با بکارگیری تجارب گذشته ، از اصول درخشان رهبران شهید خویش می آموزد ، پرچم سرخی که با خون هزاران حمید اشرف رنگین گشته بعنوان پرچم خونین طبقه کارگر ایران بر فراز جنبش انقلابی افراشته گشته ، پرچم خونین مبارزه قهر آمیز و بیان بر افکن ستمکشان و استثمار شوندهگان .

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

یاد رفیق کبیر حمید اشرف در اراده پولادین فدایی کمونیست ...

هر بار که سازمان را مورد هجوم قرار داده و ضرباتی وارد ساخته اند ، در دستگاههای تبلیغاتی خویش ادعا نموده اند که سازمان را نابود ساخته اند . اما کیست که نداند این سازمان شکست را نخواهد پذیرفت و با خون و حماسه هر بار با تجربه تر محکمتر از قبل سر بر خواهد آورد و مبارزه خونین انقلابی را به پیش برده است . بعد از تابستان 55 که رفیق کبیر حمید اشرف و 9 تن دیگر از رفقای فدایی پس از چندین ساعت درگیری به شهادت رسیدند دستگاههای تبلیغاتی رژیم و اپورتونیستها محبوس در خانه های امن و آرام خویش و محافل روشنفکری خارج کشوری صحفات بسیاری را سیاه ساختند تا اینکه حقانیت حرفهایی شکست خورده خویش را به اثبات برسانند . اما طولی نکشید که بار دیگر کمونیست های فدائی خلق یعنی پاس دارندگان خون حمید اشرفها ، خواب را از چشمان مزدوران و جلادان ربودند و تمامی تلاش و کوشش اپورتونیستهای میهنی و طرفداران مبارزه مسالمت جویانه را بی اثر نمودند . سازمان آتش و خون زنده بود و رد طول اعتلای جنبش توده ای ، پشتیبانی پر احساس و بی نظیر میلیونها نفر از توده های کارگر ، دهقانان ، روشنفکران انقلابی و

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در بهمن ۱۳۴۹ با حماسه سیاهکل متولد شد . فدائیان کمونیست قبل از قیام بهمن ماه ۵۷ در کنار سایر رزمندگان راه آزادی بر علیه نظام شاهنشاهی مبارزه کردند و با امید به پیروزی در سرنگونی رژیم شاه نقش مهمی بازی کردند . بعد از شکست انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ، فدائیان کمونیست به همراه بخشی از مردم کارگر و زحمتکش در کارخانه ها ، دانشگاه ها مدارس و روستاها که منافع خود را در تضاد با حاکمیت سرکوبگر جدید میدیدند ، به تداوم انقلاب پای فشردند در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران ، دهقانان ، زنان و سایر اقشار اجتماعی شرکت کردند .

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

بوده است، و نظر به رقابتهای احزاب و گروه های مختلف کرد در منطقه بویژه اعتبار و اتوریته ای که جریان پ-ک =ک و حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) در نتیجه فعالیت های سیاسی و نظامی در منطقه کسب نموده اند و عملا به رقیبی غیر قابل حذف برای حزب دموکرات تبدیل شده اند، خواسته باشد با اعزام چند تیم و جوله سیاسی در روستاهای مرزی از انزوایی که در آن گرفتار آمده است خلاص شده و بار دیگر خود را بعنوان نیروی مطرح در کردستان ایران جلوه گر نماید و در بده بستانهای سیاسی از امتیازات لازم برخوردار شود. ولی میدانیم که اینگونه نیست. به چند دلیل اولاً همانطور که اشاره شد حزب دمکرات کردستان ایران بدون چراغ سبز بارزانی نمیتواند از رویکرد تاکتیکی جدید و یا آنگونه که دبیرکل آن در مراسم نوروزی اعلام کرد و سخنگوی اش در مصاحبه با العربیه تکرار نمود از « آغاز مبارزه مسلحانه » در داخل مرزهای ایران صحبت بکند تا چه رسد به اینکه نیروی نظامی وارد ایران کرده و به عملیات نظامی مبادرت ورزد. دوم اینکه در شرایط کنونی مبارزه مسلحانه در منطقه ای نظیر کردستان علاوه بر داشتن امکانات مالی زیاد و تجهیزات پیشرفته و آموزش لازم برای خنثی کردن دستگاه های اطلاعاتی و نظامی رژیم، به پشت جبهه قوی و مطمئنی هم نیاز دارد که هم از لحاظ مالی و نظامی و هم از لحاظ اسکان خانواده ها و آموزش نیروها و غیره از آن استفاده بکند

و نیروهای خود را تجدید قوا و تجدید سازمان دهد، زخمی هارا مداوا کند و... تا بتواند موجودیت خودش را حفظ کرده به حملات و اقدامات اش تداوم بخشد. که حزب دمکرات کردستان ایران در شرایط کنونی توازن قوا در منطقه فاقد همه آنها است. وضعیت فعلی منطقه کردستان ایران، وضعیت دوران حاکمیت صدام حسین در عراق نیست که حزب دمکرات مثل گذشته از وجود مداوم تضاد و جنگ و کشمکش بین حکومت های ایران و عراق سود برده و از قدرت و توان وامکانات لازم برای حمله و عقبنشینی برخوردار بوده باشد. مهمترین مسئله ارزیابی صحیح از توازن قوا است و اینکه یک نیروی جدی سیاسی که میخواهد به مبارزه مسلحانه بعنوان شکلی از مبارزه روی آورد، باید تحلیل مشخص از اوضاع مشخص و توازن نیروها داشته باشد. روحیه و سطح مبارزات توده هارا در نظر بگیرد و عملیات مسلحانه در خدمت ارتقاء سطح مبارزاتی توده ها و موجب کشاندن آنها به مبارزه توده ای و انقلابی باشد و اعتماد به نفس آن هارا بالا ببرد و به پیروزی امیدوار سازد. چنین تحلیل و ارزیابی باید شفاف روشن و روبه مردم بیان شده باشد که حزب دمکرات کردستان ایران تا لحظه کنونی چنین ارزیابی را اعلام ننموده است. علاوه بر اینها با توجه به اینکه عواقب سیاست جدید حزب میتواند موقعیت نیروهای اپوزیسیون کرد ایرانی مقیم در اردوگاه ها در منطقه اقلیم را با مخاطره

جدی روبرو سازد، اتخاذ چنین سیاستی (اگر چنانچه در مسیر درستی میبود و ناشی از تحلیل مشخص از شرایط مشخص میبود) قاعدتا میبایست قبلا با این احزاب نیز در میان گذاشته میشد. در حالیکه حزب دمکرات هیچ مشاوره ای با احزاب مستقر در اردوگاه ها نداشته و در این زمینه آینده نگری را به کنار نهاده است و نه تنها توضیحی در مورد اتخاذ این سیاست به مردم کردستان نداده بلکه احزاب سیاسی موجود را که ممکن است اردوگاه های آنها به بهانه عملیات حزب مورد هجوم و توپ باران قرار گیرد، مطلع نکرده و پاسخ روشنی به چرایی اتخاذ چنین تاکتیکهائی را نداده است. ممکن است پرسیده شود که پس چگونه است که در همین شرایط موجود سازمانی نظیر «پژاک» «سالها است که میتواند در کردستان ایران به عملیات مسلحانه دست بزند، اما حزب دموکرات کردستان ایران نمیتواند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که پژاک هم بدون پشت جبهه قوی و دارای پایگاه وسیع توده ای (پ ک ک) نمیتوانست به تحرکات مسلحانه در ایران ادامه دهد. که حزب دموکرات فاقد چنین متحدی در منطقه است. دوما پژاک علاوه بر رفع ستم ملی به حقوق و برابری زنان، مشکلات زحمتکشانش و محیط زیست و غیره اهمیت درخور داده و یک سری خواست ها و مطالباتی را مطرح میکند و برای تحقق آنها مبارزه میکند که مورد پشتیبانی توده های مردم کردستان بویژه زنان و مردان جوان قرار میگیرد و بدینوسیله پایگاه اجتماعی خود اش را گسترش میدهد. اما حزب فاقد چنین

ادامه در صفحه بعد ...

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

برنامه و رویکردی است و بیشتر به ناسیونالیسم کرد متکی است و به جای مبارزه با سنت های ارتجاعی مذهبی و خرافات که مردم ستمدیده بویژه زنان را به بند کشیده است، تلاش میکند از مذهب و خرافات درگسترش پایگاه اجتماعی خویش و جلب سران مذاهب و فرقه ها و ایلات و عشایر، سود جوید. بنابراین نمیتواند به مبارزه رادیکال برای آزادیهای سیاسی و رفع ستم های جنسی و ملی و طبقاتی که در کردستان امروز درهم گره خورده اند و از هم تفکیک ناپذیرند، بپردازد. لذا نمیتواند پایگاه بیست سال قبل خود را که ناشی از موقعیت انقلابی قیام پنجاه و هفت و شرایط جنگ ایران و عراق و پارامترهای تاثیر گذار دیگر بود، در شرایط کنونی در کردستان ایران بوجود بیاورد و اساسا بدون پشتوانه قدرتی خارجی نمیتواند به اهداف اش دسترسی پیدا کند. لذا دور از عقل و منطق است که رهبران حزب با هر سطح از آگاهی سیاسی و قدرت تحلیلی که داشته باشند، صرفا برای خروج از انزوا و پایان دادن به بیست و اندی سال اردوگاه نشینی و بدون مشورت و گفتگو با احزاب دیگر حاضر در اقلیم و روشن کردن دقیق چرایی دست زدن به چنین اقداماتی، تنها با پیام نوروژی دبیرکل، به چنین تاکتیک خطرناکی دست بزنند و اندک نیروهای آزموده خود را به سادگی در دام رژیم جمهوری اسلامی گرفتار کرده و در ناتوانی از تداوم مبارزه و اجرای

وعده ها و شعارهای دبیرکل خود، به آن اندک اعتبار و پایگاه اجتماعی خود نیز لطمه بزنند پس علت رادر جای دیگری باید جستجو کرد.

خطای استراتژیک

حزب دمکرات کردستان ایران بعد از گذشت چندین ماه از اعلام شروع « رویکرد تاکتیکی » جدید اش و پس از گذشت چندین روز از درگیری مسلحانه تیم های اعزامی اش با سپاه پاسداران هنوز دلایل روشنی را در چرایی اتخاذ چنین رویکردی اعلام نکرده و به هیچکدام از سوالاتی که در این رابطه مطرح شده پاسخ روشن نداده است. اما آنچه که از قرائن و شواهد برمیآید، اگر « رویکرد تاکتیکی » حزب دمکرات کردستان ایران بر حسب داده های موجود در پاسخ به الزامات مبارزات توده های زحمتکش مردم کردستان و تغییر توازن قوا میان حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و سطح مبارزات آنها نیست پس خطر اینجاست که حزب دموکرات کردستان ایران « رویکرد تاکتیکی » خودش را با الزامات قدرت های جهانی و دولتهای مرتجع منطقه و جنگ نیابتی آنها همساز سازد و خطائی استراتژیک مرتکب شود که در تاریخ این حزب از این خطاها فراوان میشود یافت.

زمینه

سالها است که درگیریها و جنگ های نیابتی در منطقه تداوم داشته و موجد تضادها و تناقضات پیچیده ای شده است و هنوز این جنگها و درگیریها با کشتار و

آوارگی توده های میلیونی و خرابی های بی حد و حصر مسکن وزیر ساخت های اقتصادی توأم بوده و چشم اندازی برای پایان آن دیده نمیشود. در میدان وسیع این جنگها، جمهوری اسلامی نیز برای حفظ خودش منافی دارد و نقش موثری ایفا میکند. جنگ برای تجدید تقسیم مناطق نفوذ مرتبا در توازن قوای شرکت کننده و عوامل آنها تغییر بوجود میآورد. جدال بر سر تقسیم مناطق نفوذ کشورهای امپریالیستی، جدال بر سر تقسیم قدرت در بین دولتهای مرتجع حاکم و سرمایه دارانی که از این خان یغما سود میبرند... منجر به به کارگیری سیاه ترین نیروهای موجود و مسلح کردن آنها و یا استفاده از احزاب و جریانات سنت داری شده که مستعد شرکت دادن در این جنگهای نیابتی و از طریق آنها فشار به رقیب هستند. در روند این جنگها اتحاد های پایدار و موقتی در حال شکلگیری و از هم پاشی و شکلگیری مجدد هستند. تمام دستگاه های اطلاعاتی، جاسوسی، امنیتی و نیروهای نظامی با فرماندهان زبده کشورهای معظم سرمایه داری و دولتهای منطقه در حال فعالیت و جنگ و رقابت هستند و با چنگ و دندان دنبال منافع خود هستند. ایران در حالیکه با مسلح کردن حوثی هادر یمن، حزب الله در لبنان و دخالت مستقیم در جنگهای سوریه و حضور موثر نظامی و اطلاعاتی در عراق، سیاست های ارتجاعی و منافع خود را دنبال میکند. عربستان سعودی به همراه سایر کشورهای حاشیه خلیج، در اتحاد با اسرائیل بر آن است تا درگیریها را به خاک ایران بکشد. از جمله تقویت سلفی ها و دروسوی مرز و تلاش برای

ادامه در صفحه بعد ...

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

ایجاد گروه های رقیب در ایران، کمک و یاری به اپوزیسیونهای ارتجاعی و... از آن جمله است. از طرفی ترکیه نیز برای فشار به ایران در حال دامن زدن به اختلاف میان خلقهای ترک و کرد از یک طرف و زمینه چینی برای فشار بیشتر به دولت اقلیم برای مقابله با نیروهای پ ک ک و برچیدن پایگاه های آنها از مناطق قنديل و شکست آنها در رزوا، از جمله اهداف ترکیه را تشکیل میدهد. اینها سناریو هائی هستند که با پول های کلان و تسلیحات مفت و مجانی و ترسیم چشم اندازی برای دست یافتن به قدرت و ثروت را با خود دارند که بسیاری از نیروهای سیاسی سابقه دار امدارمانده را وسوسه میکنند بعلاوه با خرج دلارهای نفتی و بکارگیری ماموران مخفی به سازماندهی گروه های خلق الساعه و متحد خود نیز یاری میرسانند و هزاران مامور و کارشناس آماده آند تا در صورت لزوم به آنها در مورد سازماندهی و طرح و نقشه و اجرای عملیات های مسلحانه ساپورت بدهند و متاسفانه در شرایط بیکاری و جنگ و آوارگی و ستم و استثمار و بی حقوقی که توسط رژیم های ارتجاعی منطقه و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بر توده مردم از جمله زحمتکشان کردستان تحمیل شده است نیروی انسانی وسیعی میتواند از راه فریب و یا بدست آوردن قوت لایموت به آنها بپیوندند. قطب عربستان و ترکیه و متحدان اش به عروج چنین نیروهائی در شرایط فعلی ایران چشم دوخته اند.

حزب دموکرات در زمانهای مختلف

و در روز چشم توده ها تلاش کرد با جمهوری اسلامی وارد مذاکره و بده بستان شود اما جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد انسانی خود که هنوز گویا برای رهبران حزب ناملموس مانده بود، با ترور آنها پاسخ روشنی به توهمات آنها در مورد عناصر باصطلاح میانه رو درون حاکمیت داد. با این اقدام خود اعلام کرد که پای هیچ مصالحه و سازشی نیست. بعد از آنکه حزب دموکرات از مذاکرات بارژیم ناامید شد، در یک دوره با افزایش فضای تبلیغاتی و جنگی میان ایران و آمریکا با امید به حمله نظامی آمریکا این بار تلاش زیادی کردند تا آمادگی و ظرفیت خود را برای ایفای نقش در جنگ احتمالی و حمله نظامی آینده به آمریکائیان بقبولانند. البته در این امید و آرزو حزب دمکرات کردستان ایران تنها نبود، احزاب دیگری از اپوزیسیون بورژوائی رژیم و جریانات سلطنت طلب نیز به این امید چشم دوخته بودند، اما بعد از توافقات هسته ای اوضاع کمی دگرگون شد و چشم انداز حمله نظامی آمریکا و متحدان اش فعلا جای خود را به مذاکره و بده بستان داد و در برخی حوزه ها منافع متضاد به منافع مشترک تبدیل شدند. این امر، یعنی مذاکرات منجر به توافق برجام و برسمیت شناختن موقعیت جمهوری اسلامی در کشمکشهای منطقه، بدون تردید ناامیدی و استیصال این جریانات، از جمله حزب دموکرات را به همراه داشت.

اکنون در پی این تغییرات اما صفتبندی های جدیدی نیز بوجود آمده است

که ممکن است حزب دمکرات در راهجویی برای نجات از وضعیت که بیش از بیست سال است بدان دچار است، بخواهد با این تحول جدید خود را همراه و هماهنگ ساخته و از این خمسه بدرآید. برای رهائی از این وضعیت هم «حزب دمکرات کردستان» به رهبری خالد عزیزی و هم «حزب دموکرات کردستان ایران» به رهبری مصطفی هجری، طبق معمول سنوات گذشته، هر دو در تلاشند تا در تغییر صفتبندیهای جدید میان شکافهای موجود جایگاهی برای خود دست و پا کنند.

هم اکنون میدانیم که در منطقه نیروها و دول مرتجع و ضد انقلابی در محور ایران عمده با هم در جنگ و رقابتند. محور ایران و روسیه و سوریه در مقابل کمپ عربستان سعودی و ترکیه قرار دارند که هر دو محور طیفی از متحدین، اعم از دولتها و احزاب و سازمانهای سیاسی بورژوائی و گروه های مذهبی و عشیره ای را با خود دارند. وجود این صف بندی و تشدید تضادهای آنها امید تازه ای را در دل احزاب مختلف بوجود آورده است.

در طیف حزب دمکرات کردستان ایران که اکنون در قامت دو جناح، بنامهای «حزب دموکرات کردستان» و «حزب دموکرات کردستان ایران» شناخته میشوند، این صفتبندی خود را در امید بستن حزب دموکرات کردستان به تحولات درون رژیم و اصلاح طلبان، در محور ایران روسیه نشان میدهد، در حالیکه حزب دموکرات کردستان ایران به رهبری مصطفی هجری به

ادامه در صفحه بعد ...

عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

سمت عربستان، ترکیه و متحد دیرین خود بارزانی سوق یافته است و قراین و شواهد نشان میدهد که هرکدام با یکی از دوماحور بدنبال اتحاد ودوستی هستند. درحالیکه حزب دمکرات خالد عزیزی برای خروج از وضعیت بحرانی حزب خود، خواهان گذاشتن اسلحه بر زمین و مبارزه مسالمت آمیز و در نهایت مذاکره با جمهوری اسلامی است. جناح حزب دموکرات مصطفی هجری به محور عربستان سعودی و ترکیه چسبیده و آغاز مبارزه مسلحانه را اعلام کرده و خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میباشد. نباید فراموش کرد که اخیرا عملیات نظامی توسط حزب «پاک» که نیروی بسیار نزدیک به حزب بارزانی است و قبلا اجازه عملیات در داخل ایران رانداشت و نیروهایش عمدتا در کنار پیشمرگان حزب دموکرات بارزانی، در جبهه های داعش مشغول نبرد بودند نیز عملیات منطقه دلاهو در کرمانشاه را بطور غیر مستقیم از طریق «شاهین های کردستان»، برعهده گرفته است.

این دوجبهه به همراه متحدین منطقه ای و فرمانطقه ای خود اکنون چندین سال است که برای گسترش و حفظ منافع خود در جنگها و ویرانیهای منطقه مشارکت داشته و باهم در جنگ وجدالند. اکنون با توجه به سیاست قدرتهای جهانی و تداوم بحران و درگیریها و جنگهای نیابتی در منطقه و درپیش بودن انتخابات در آمریکا و کان لمیکن ماندن لغو همه تحریمها، اعزام

نیروهای جدید به منطقه توسط آمریکا، چرخش سیاست ترکیه و فشار بیشتر قدرتهای جهانی و دول منطقه به ایران برای دست کشیدن از حمایت ها و دخالتهای خود در منطقه، بویژه حزب الله لبنان، حوثی های یمن و شیعیان بحرین و محدود کردن فعالیت های سپاه قدس و غیره، راه مناسب فشار بر ایران را بازگذاشتن دست احزابی که تاکنون اجازه ورود مسلحانه و عملیات نظامی در ایران نداشتند، درپیش گرفته اند و اخیرا حمایت آشکار عربستان سعودی از مجاهدین خلق ایران نیز میتواند نمودی آشکار از تغییر و تحولات سیاسی در این راستا... باشد که حزب دموکرات کردستان ایران را متقاعد و امیدوار کرده تا برای خروج از وضعیت بحرانی و استیصالی که در آن گرفتار شده است و برای تبدیل شدن به وزنه ای که روی آن بتوانند حساب باز بکنند به سوی این قطب روانه کند. اتحاد بارزانی، ترکیه و عربستان سعودی بازگذاشتن دست حزب دموکرات ایران در اجرای عملیات بمنظور تحت فشار گذاشتن ایران، مبارزه با پ ک ک، پژاک برچیدن سیستم خود مدیریتی در روزاوا و مبارزه با جریاناتی که به قطب مخالف، یعنی ایران و روسیه دلبسته اند، از جمله اهداف این گروه بندی هارا تشکیل میدهد.

همانطور که قبلا توضیح داده شد تردیدی نمیتوان داشت که رهبران حزب دموکرات هجری،

بدون هماهنگی با این تغییرات و چراغ سبز بارزانی، حاکم اقلیم کردستان نمیتوانست در عید امسال از تغییر « رویکرد تاکتیکی » و آغاز مبارزه مسلحانه صحبت کند. تشدید تقابل صفتبندیهای ذکر شده و تقابل عربستان ترکیه به همراهی بارزانی با قطب دیگر که باسرا زیر کردن ملیونها دلار پول و اسلحه و تجهیزات برای اپوزیسیون دوطیف همراه است، انگاری دردل اپوزیسیون بورژوائی و احزاب و دستجات موجود در منطقه، از جمله حزب دمکرات کردستان ایران، قند اب کرده است.

اگر چنین بوده باشد، آنگاه باید گفت که حزب دموکرات کردستان ایران برای چندمین بار دچار خطائی استراتژیک شده است. چرا که تاریخ مبارزات توده های زحمتکش مردم بطور کلی و تاریخ مبارزات خلق زحمتکش کرد به روشنی نشان داده است که از دست دادن استقلال و عدم تکیه به توده های مردم و بند و بست با قدرتهای جهانی و منطقه ای جز شکست و خسارات جبران ناپذیر نتیجه دیگری ببار نیاورده است. برغم حقانیت مبارزه مسلحانه خلق کرد برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش و خلاصی از ظلم و ستم و استثمار، اما این مبارزه اگر مستقل از بازیگران بین المللی و دولتها و احزاب مرتجع منطقه نباشد و مبارزه خودرا نه فقط برای رفع ستم ملی بلکه مبارزه انقلابی توانان علیه ستم طبقاتی و جنسی و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی گسترش ندهد، در عمل منفعتی برای توده های زحمتکش مردم نداشته و مانع



عملیات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران « رویکردی تاکتیکی » و یا خطائی استراتژیک!

مبارزات مستقل آنها خواهد شد. متأسفانه در تاریخ مبارزات هردو حزب دموکرات کردستان ایران و عراق که اکنون عقد اتحاد باهم بسته اند، بدلیل پایگاه طبقاتی و سطح تکامل اقتصادی و اجتماعی کردستان و تضاد ایران با کشورهای منطقه، از این خطاها بسیار ثبت شده است. خطاهایی که گاه به بهای گرانی هم تمام شده است. اغلب این خطاها ناشی از بند و بست با قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای و عدم شفافیت و مطرح کردن آن با توده مردم و اعضای این جریانات بوده است، در تاریخ حزب دموکرات کردستان ایران نیز کم نبوده بند و بست های پشت پرده و مذاکرات سری دوراز چشم مردم و اعضا حزب و گاه حتی بدون اطلاع دفتر سیاسی انجام شده است و فاجعه ببار آورده است. (مذاکرات اتریش قاسملو با ماموران رژیم که بعد ها معلوم شد حتی اعضای دفتر سیاسی هم از این مذاکرات که در جریان آن عبدالرحمان قاسملو رهبر حزب جان باخت، خبر نداشته اند). از این مذاکرات بند و بست های پشت پرده نه تنها افکار عمومی مردم کردستان آگاه نبوده اند بلکه احزاب سیاسی کردستان نیز بی خبر گذاشته شده اند. امروز نیز در کشمکشهای منطقه و تغییر و تحولات سیاسی و استراتژیک در میان امپریالیستها و دول مرتجع منطقه، و معاملات پشت پرده، اگر حزب دموکرات کردستان ایران و یا هر حزب و جریان دیگری به یکی از مهره های

بازی خطرناک سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی این گروه بندیها تبدیل شوند و شروع مبارزه مسلحانه از چنین سرچشمه ای آب بخورد، بدون شک به نتیجه فاجعه باری منجر خواهد شد و رهبران حزب دموکرات کردستان ایران مسئول و پاسخگو هستند. مگر اینکه در برابر توده های مردم و احزاب و جریانات سیاسی به برنامه و اقدامات خود شفافیت داده و با قدرتها ی مرتجع منطقه و هر دو گروه بندی ارتجاعی و ضد مردمی، مرزبندی خود را شفاف روشن اعلام کنند و به کلیه ابهامات پاسخ دهند.

یدی شیشوانی بیستم تیر ماه ۱۳۹۵

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
یک سازمان کمونیستی و بخشی
از طبقه کارگر است که در جنبش
آن شکل گرفته و هدف خود را
گسترش و تکامل مبارزه طبقه
بسمت پیروزی نهائی و ساختمان
جامعه سوسیالیستی و کمونیستی
قرار داده است، که در آن وحدت
و یگانگی انسان تامین و تکامل
هر فرد شرط تکامل همگان
است. مبانی سیاسی و خط و
مشی آن در برنامه سازمان بیان
گردیده است.**

پیچ نشریه ی کار کمونیستی در فیس بوک
<https://www.facebook.com/kare.comunist/>



:: گزارش ::

این روزها رو شدن فیشهای حقوقی مدیران و سر کرده های جمهوری اسلامی داستانی شده .!؟

جناح راست با این دید که با افشا چند فیش حقوقی مدیران میانی دولت روحانی دم او را قیچی خواهند کرد اقدام به نشر چند فیش حقوقی نمودند. که البته با توجه به اکثریت جامعه که تمامی اوقات مشغول کار هستند و حتی دو یا حتی سه شیفت کار میکنند و اما هنوز هشتشان گرو نه شان است سر و صدایی هم بپا کرد و هر روزه شاهد دست بدست شدن عکس و پروفایل های این فیشها بودیم و جناح راست مسرور از اینکه فساد بخش رقیب را رو نمایی کرده است تا جاییکه خامنه ای به دو دلیل 1: دامن زدن به افشا جناح مقابل 2: اب ریختن بروی آتش خشم توده ها به میدان آمد و فرمان برخورد قاطع با عوامل این گونه فسادها را داد. غافل که گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند. و از انجاییکه هردو جناح همچنان که در سرکوب و کشتار نقش اساسی داشته اند در فساد نیز گوی سبقت را از یکدیگر ربوده اند و این افشا نمودن فیشها در جلو خانه مدیران جناح راست نیز چمپانمه زده و هر روز فیش حقوقی یکی از آنها همچون حسین شریعتمداری و قالیباف .. دارد در رسانه های اجتماعی دست بدست میگردد. و برای عده ای نیز که جزء روحانیت هستند و فیش حقوقی صادر نمیشود نیز پروفایلی همراه با دارایی حسابهایشان در بانکهای خارج کشور درست شده که در رسانه هایی همچون تلگرام و ... در دسترس عموم قرار

ادامه در صفحه بعد

امپریالیست دفاع میکردند و یا آنها را که هنوز به کرامات عمو سام چشم دوخته اند انگشت به دهان کرد. زیدی میگفت: حالا صبر کنید تیکه بزرگش زیر لحاف است. گفتم برادر تا همینجا هم که بیرون زده چیز کوچکی نیست! و ا بحال روزی که آن بقیه اش هم از زیر لحاف عمو سام بیرون بزند فکر میکنی این ملت نجیب ایران زهره ترک میشود و یابالاخره ترس اش میریزد؟

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان کمونیست منتشر می شود .

**مسئول اجرایی : سالار حسامی
شماره پیغامگیر ، واتس آپ و وایبر
سازمان**

+46738924823

**برای تماس با سازمان اتحاد
فداییان کمونیست و یا
ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس
بگیرید :**

.....
روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

ستون طنز



زیر نظر طنناز ممدقلی زاده

**تکه بزرگش زیر لحاف است اما!
حقا تا اینجا هم که از زیر لحاف
بیرون زده چیز کمی نیست**

پس از افشای کاغذهای محرمانه سفارت آمریکا در تهران، فضا پر از حدس و گمانهایی شد در این باره که نمیخواهند شرح گفتگوهای آنان تا بهمن ۵۷ بهشتی و موسوی اردبیلی با مقامهای آمریکایی را منتشر کنند. "شهید مظلوم" سخنگوی پانزدهم خردادها بود اما تندروترین آنها نبود (علی امینی در یادداشت‌های بهمن ۵۷ می‌نویسد بهشتی به او گفت آقای خمینی بهتر است تا تدارک مقدمات به ایران برنگردد). در هر حال، تعهدش جان کلام حرفی بود که آیت‌الله در پاریس می‌زد: چپ اگر توطئه کند (یعنی در اسرع وقت) سرکوبی خواهد شد، حکومت ما به شوروی گرایش نخواهد یافت، روابط حسنه با آمریکا و فروش نفت به بازار آزاد ادامه خواهد یافت و کذا!!!

اکنون که با انتشار بخشی از اسناد محرمانه وزارت خارجه و انگلیس تق اش درآمد است که آقایان قبل از انقلاب چه مذاکراتی داشته اند و چه قول و قرارهایی باهم گذاشته اند و چرا آمریکا این بار نیز درهراس از چپ و کمونیستها به سرکارآمدن رژیم خمینی یاری رساند واقعا همه را بویژه آنها را که از امام ضد

:: گزارش ::

گرفت است. خامنه ای چنان حق به جانب سخن رانی کرد انگار مردم فراموش کرده اند که هیجده میلیارد دلار طلای قاچاق به ترکیه که در تریلر ها بدست ماموران ترکیه افتاد از بیت رهبری خارج شده بود. حسین شریعتمداری که فیش حقوقی وی از روزنامه کیهان بیرون آمده بود برای تکذیب ان افشا نمود که از سپاه نیز حقوق دریافت می نماید

همین مسئله باعث خشم روز افزون توده زحمنکش جامعه شده و مردم مقایسه میکنند با کارگرانی که برای چندر قاز حقوق حقه عقب مانده خود مراجعه میکنند و بجای دریافت حقوق یه انها شلاق پرداخت میشود.

مورد دیگری نیز در زیر پل سید خندان اتفاق افتاده بود که البته ان را من از نزدیک ندیدم اما فیلم ان را مشاهده نمودم. و چریان از این قرار بود که گشت ارشاد دختری را به عنوان بد حجابی دستگیر و ان را بدرون ون خود هدایت نموده و در داخل ون به او تجاوز می کنند مردم که قضیه را میفهمند به ون حمله نموده و ان را چپ نموده و شیشه های ان را خرد نمودند.

مردم جان به لب فقط منتظر بهانه ای هستند برای تهاجم به حاکمیت و نیروهای سرکوبگر ان.

عدول 22/4/95 پ

**آخرین اخبار و گزارشات ،
مقالات ، اطلاعیه ها و
نشریات سازمان اتحاد
فداییان کمونیست را از
سایت زیر دریافت کنید :**

Www.fedayi.org